

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهاردهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۳

مدجّنان و نقش آنان در اقتصاد اسپانیای سده‌های میانه

دکتر عبدالله همتی گلیان*

چکیده

مقاله حاضر که براساس روش کتابخانه‌ای تدوین شده، بر آن است تا با بررسی نقش اقتصادی مدجّنان در اسپانیای سده‌های میانه، بخشی از سهم آنان را به عنوان حاملان میراث اسلامی در توسعه و پیشرفت این کشور روشن سازد.

این پژوهش پس از توضیح در مورد مُدجّنان، جایگاه آنان را در جامعه مسیحی اسپانیا بیان کرده است. آن‌گاه توانایی‌های این جمعیت در بخش‌های کشاورزی و صنعتی بررسی شده و نشان داده که مسیحیان حاکم، به‌رغم مخالفت با هویت دینی اقلیت‌های مسلمان، هیچ‌گاه از مهارت‌های آنان در زمینه اقتصادی غافل نبوده و به بهره‌برداری از توانایی‌های این اقلیت‌ها می‌پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مُدجّنان، اسپانیا، مسلمانان، مسیحیان. اسلامی، مسیحی

* عضو هیأت علمی گروه تاریخ و تمدن دانشگاه فردوسی مشهد

فتح شبه‌جزیره ایبریا توسط مسلمانان در دهه پایانی سده اول هجری (دومین دهه سده هشتم میلادی) از رویدادهای بسیار مهم تاریخی در سده‌های میانه به‌شمار می‌رود، چرا که در این گوشه از جهان بود که برای نخستین بار حکومت اسلامی در قاره اروپا سر برآورد. به دنبال آن گرچه جهان مسیحیت با چالش بزرگی مواجه شد و اسپانیا (اندلس) برای مدت طولانی عرصه کشمکش‌های اسلام و مسیحیت گشت، اما با توجه به نقش برجسته‌ای که مسلمانان در این سرزمین در جهت بسترسازی تغییر اوضاع و احوال ذهنی، عینی، مدنی و فرهنگی ایفا کردند؛ تبادل‌ها و تعامل‌های گسترده‌ای نیز بین دو جامعه مسلمانان و مسیحی رخ داد، به طوری که به سبب این داد و ستدها تاریخ و فرهنگ این کشور در سده‌های میانه از سایر بخش‌های اروپا متمایز شده است. این پژوهش پس از بحث درباره: مُدجّان و معرفی آنان، به گوشه‌هایی از این تعامل‌ها و خدمات ارزنده این جمعیت به جامعه مسیحی اسپانیا در بخش‌های کشاورزی و صنعت می‌پردازد.

مُدجّان^۱

اصطلاح مُدجّان به گروهی از مسلمانان اسپانیا اطلاق می‌شده که به هنگام پیشروی مسیحیان به قلمرو اسلامی، این مناطق را ترک نکردند و تحت سلطه آنان به حیات خویش ادامه دادند. در این مورد در فرهنگنامه آکادمی رنال اسپانیا چنین آمده: «این مسلمانان ناحیه‌ای که در آن سکونت داشتند را به نیروهای مسیحی تسلیم می‌کردند و بدون این که دین خویش را تغییر دهند، در همان‌جا باقی ماندند و به صورت رعایای حاکمان مسیحی در می‌آمدند.»^۲ تسلیم شهرها و مناطق مسلمان‌نشین به مسیحیان براساس قراردادهایی که بین فاتحان و مغلوبان منعقد می‌شد، انجام می‌گرفت. در واقع، به وسیله این قراردادها که در آن‌ها وظایف مسلمانان و حقوق آنان قید شده بود، جوامع مُدجّان رسمیت پیدا می‌کرد. حقوق و امتیازاتی که در این توافقنامه برای مُدجّان منظور شده بود، در همه جای اسپانیا یکسان نبود؛ ولی در بیشتر آن‌ها موارد مشترکی بدین قرار وجود داشت: در ازای کارهایی که مُدجّان برای حاکمان و اربابان مسیحی انجام می‌دادند و مالیات‌هایی که به آنان می‌پرداختند، فاتحان نیز قول می‌دادند تا امنیت مالی و جانی این جمعیت را تأمین کنند، به آنان اجازه دهند تا اعمال دینی خویش را آزادانه انجام دهند، از تعرض به اوقاف مسلمانان ذمی (مُدجّان) جلوگیری کنند، آنان همان مالیات‌های دوره اسلامی را به حاکمان مسیحی بپردازند،

۱. دَجَن، یَدَجُنْ، دَجْنَاءُ، دَجَن و دُجُونَا، دَجَن بِالْمَكَانِ: در آن‌جا مقیم شد، دَجَن الطَّائِرِ او الحیوان: پرنده یا حیوانی اهلی شد. حیوان رام و اهلی را به عربی داجن گویند (مسعود، جبران، الرائد معجم لغوی عصری، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲م، ص ۳۵۵؛ رضا، احمد، معجم متن اللغة، بیروت، دار مکتبه الحیاه، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۸م، ۳۰/۲۰؛ آنیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، بی‌تا، ۲۷۲/۱)

2. Harvey, L. P. Islamic Spain 1250 to 1500 (the university of Chicago, 1990) P. 3.

به مُدَجَّان اجازه دهند که قضاتی از خودشان داشته باشند تا براساس قوانین اسلامی قضاوت کنند. باید توجه داشت که این امتیازات فقط در قراردادهای انعکاس می‌یافت، اما در عمل مسیحیان به حقوق مُدَجَّان واقعی نمی‌نهادند.^۱

اغلب نویسندگان اروپایی که در زمینه تاریخ اسپانیای سده‌های میانه قلم زده‌اند واژه مُدَجَّان را به کار برده و تقریباً آن را به جامعه خاصی از مسلمانان اسپانیا اختصاص داده‌اند. اما نویسنده مقاله مُدَجَّان در دایره‌المعارف اسلام^۲ (متن انگلیسی) این اصطلاح را به مسلمانانی که در خارج از اسپانیا به نحوی تحت سلطه مسیحیان زندگی می‌کردند نیز تعمیم داده است.^۳ این واژه برگرفته از کلمه عربی دَجْن و متضمن مفهوم باقی ماندن (اقامت کردن) و آرام (رام) بودن است که دومی بیشتر در مورد طيور به کار می‌رود.^۴ هاروی^۵ بر مفهوم آرام و رام بودن تأکید بیشتری دارد و سعی می‌کند که از لحاظ معنوی بین حیواناتی که تحت حمایت انسان رام و اهلی شده‌اند و مردمی که تحت قدرت برتری به صورت رعایای بی‌خطری درآمده‌اند، ارتباط برقرار نماید. گفتنی است رام بودن صفتی نیست تا کسی خواسته باشد به آن افتخار کند، بلکه متصف به آن قابل سرزنش نیز هست. احتمالاً نخستین بار مسلمانان هم‌کیشان خود را، که تحت سلطه مسیحیان به سر می‌بردند، با عنوان مُدَجَّان خطاب کردند تا بدین وسیله آنان را سرزنش و نکوهش کنند. سپس این اصطلاح به زبان اسپانیولی نیز راه یافت و به صورت مودخار^۶ متداول شد.^۷

نظر هاروی تا اندازه‌ای درست به نظر می‌رسد، به لحاظ این که بر مبنای تعالیم قرآن و سنت علمای اسلامی معتقدند برای مسلمانان جایز نیست تا هرجایی زندگی کنند. بر آنان واجب است درجایی اقامت نمایند که بتوانند به نحو کامل واجبات دینی خود را انجام دهند؛ از آن‌جا که چنین امری تحت سلطه مسیحیان غیرممکن بود، باقی ماندن در آن‌جا را نوعی اهانت به اسلام و مسلمانان تلقی می‌کردند و پذیرش چنان وضعیتی را جایز نمی‌دانستند. شاید به همین جهت بوده که اغلب نویسندگان مسلمان، مُدَجَّان را شایسته توجه کردن و بررسی ندانسته و چیزی درباره آنان نوشته و به گونه‌ای از این جمعیت چشم‌پوشی کرده‌اند؛ حتی ابن خلدون زمانی که به اشبیلیه^۸ تحت سلطه مسیحیان رفته، چیزی درباره مُدَجَّان این شهر نمی‌گوید. احتمالاً او نیز سخن

1. Nirenberg, David. Muslims in Christian Iberia 1000-1526: varieties of Mudejar experience, The Medieval world, ed. by Peter Linehen and Janet L. Nelson. (London and New York, 2001), p. 61.

2. EI²

3. Chalmeta, P. Encyclopedia f Islam (1993), Vol. VII, p. 286.

4. Harvey, Islamic Spain 1250 to 1500, p. 4; W.M. and cachia, P. A history of Islamic Spain (Edinburgh University, 1965), p.151.

5. Harvey

1. Mudejar

2. Harvey, Islamic Spain..., P. 4.

3. Seville

گفتن از هم‌کیشان تحت سلطه حاکم مسیحی را اهانت‌آمیز دانسته است.^۱ یکی از فقیهان مغربی (الجزایری) بنام احمد بن یحیی و نشریسی (د ۹۱۴ ق) که در مورد آنان سخن گفته، در بخشی از اثرش (المعیار المعرب...) به شدت زندگی کردن مسلمانان را در چنان شرایطی به باد انتقاد گرفته و از آنان به عنوان «اهل الدجن» یاد کرده است.^۲

مدجّان هم از سوی هم‌کیشان خویش محکوم بودند و به آنان توجهی نمی‌شد و هم به لحاظ این‌که در قلمرو مسیحیان به شعائر اسلامی پایبند بودند؛ با وجود برخورداری از توانایی‌های بسیار، مورد بغض شدید پیروان مسیح قرار داشتند و در سلسله مراتب اجتماعی پایین‌ترین جایگاه را به آنان اختصاص داده بودند.

در گذشته غالب نویسندگان مسیحی به هنگام بحث درباره این جمعیت سعی می‌کردند به نحوی برجستگی‌های آنان را کتمان نمایند، اما در سال‌های اخیر که تحقیقات بیشتری در این موضوع انجام شده، از ویژگی‌های مطلوب مدجّان نیز سخن گفته‌اند؛ از جمله در زمینه‌های اقتصادی، هنری و معماری از آنان تجلیل کرده‌اند، حتی در ادبیات هم محققانی همچون لوپزبارالت^۳ موارد مثبتی از نوشته‌های آنان را توصیف نموده‌اند.^۴

اما در باب این‌که مسلمانان از چه زمانی به صورت اهل الدجن درآمدند؟ باید گفت در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. اغلب نویسندگان غربی معتقدند نخستین بار چنین جوامعی در اسپانیای سده ۵ ق/۱۱ م پدید آمده است و نشریسی نیز می‌نویسد: موالات مسیحیان در صدر اسلام وجود نداشته، این پدیده در سده ۵ ق/۱۱ م آن هم زمانی رخ داد که پیروان مسیح بر بعضی از نواحی اندلس و صقلیه^۵ استیلا یافتند.^۶ همو در جایی دیگر بدون ذکر شواهدی آغاز تدجّن در اندلس را به اواخر سده ۵ ق/۱۰ م نسبت می‌دهد.^۷ این اختلافات طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا نویسندگان شرقی و مسلمانان به هر دلیلی به این موضوع کمتر پرداخته‌اند و محققان غربی و مسیحی هم بیشتر در دوره‌های اخیر توسط افرادی مانند فرناندز گنزالث^۸ تقریباً از نیمه دوم سده

4. Harvey, "the Mudejars", the legacy of muslim Spain, ed. By Salma Khadra Jayyusi (Leiden, 1994), Vol. I, pp. 177-178.

۵. و نشریسی، احمد بن یحیی. المعیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م، ۱۵۰/۲-۱۵۱.

1. Lopez-Baralt

2. Harvey, Islamic Spain 1250 to 1500, P.3.

3. Sicily

۴. و نشریسی، المعیار المعرب و...، ۱۲۵/۲.

۵. همان، ۱۵۰/۲-۱۵۱.

6. Fernandez Gonzalez

۱۳/ق ۱۹م کار را شروع کرده‌اند و به طور مشخص از نیمه دوم سده ۱۴/ق ۲۰م به بعد آنان توجه خاصی به چگونگی زندگی مسلمانان تحت سلطه مسیحیان نموده‌اند.^۱

همچنین باید گفت: مسلمانان به صورت‌های گوناگون تن به سلطه مسیحیان می‌دادند که هر مورد آن به تاریخ خاصی مربوط می‌شود. گاه مسلمانان نه به صورت جمعی و از طریق امضای قرارداد با مسیحیان، بلکه افرادی از آنان این وضعیت را می‌پذیرفتند.^۲ شاید این گونه تدبیر چند دهه بعد از فتح اسپانیا رخ نموده است؛ آن‌هم زمانی بوده که مسیحیان به منظور مقابله با نیروهای اسلامی هسته‌های مقاومت تشکیل دادند، که گاه مسلمانان در برابر آنان مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند؛ چنان‌که به سبب پایداری مسیحیان در سال ۱۳۳/ق ۷۵۰م. بخش‌هایی از جلیقیه^۳ را که مسلمانان از قبل تصرف کرده بودند، از دست دادند. به گفته مؤلف اخبار مجموعه برخی عقب‌نشینی کردند و عده‌ای به لحاظ ضعف دینی و اعتقادی باقی ماندند، اما توانایی پرداخت مالیات را نداشتند و مسیحی شدند.^۴ برخی احتمال داده‌اند در این ایام افرادی به صورت اهل الدجن درآمدند، ولی چون تعدادشان اندک بود، مدتی طولانی تحت سلطه مسیحیان دوام نیاوردند.^۵ بعدها پیشروی پیروان مسیح کم و بیش ادامه یافت تا این که در سال ۴۷۸/ق ۱۰۸۵م طلیطله^۶ را تصرف کردند و بدین گونه جمعیت قابل توجهی از مسلمانان تحت سلطه آنان قرار گرفتند. در جریان فتح این شهر جامعه مسلمانان آن‌جا از طریق انعقاد قرارداد با حاکمان مسیحی تن به سلطه آنان دادند و مدجن شدند. غالب محققان اروپایی با استناد به این واقعه است که ظهور پدیده مدجن را در اسپانیا در سده ۱۱/ق ۱۱ دانسته‌اند.

در مورد تاریخ کاربرد واژه مدجن باید ذکر کرد که مدرک صریحی وجود ندارد تا بیان‌گر تاریخ قطعی کاربرد این لفظ باشد و نشریسی (د ۹۱۴ق) که آن‌را به طور مکرر به کار برده و فتوهای علمای اسلامی را درباره مسلمانان تابع مسیحیان از سده ۱۲/ق ۱۲ جمع‌آوری نموده، اشاره نکرده که مسلمانان از چه تاریخی واژه مدجن را به کار برده‌اند، مثلاً وی بدون ذکر تاریخ

7. Burns, Robert I. *Islam under the crusaders: colonial survival in the thirteenth-century kingdom of Valencia* (Princeton university, 1973), Preface.

8. Chalmeta, EI², Vol, p.286.

1. Galicia

۲. اخبار مجموعه فی فتح الاندلس و ذکر امرتها و الحروب الواقعة، مادرید، ۱۸۶۷م، ص ۶۲.

3. O'callaghan, Joseph F. *The Mudejare of castile and Portugal in the twelfth and thirteenth centuries, muslims under latin rule 1100-1300*, ed. By Iamea M. Powell (Princeton University, 1990), pp.19-20.

4. Toledo

می‌گوید: فقهای اندلس فتوا دادند که تعامل و خرید و فروش با اهل الدّجن جایز نیست، زیرا آنان در شرایطی زندگی نمی‌کنند که بتوانند بر مایملک خود تصرف داشته باشند.^۱

یکی از فقهای قرطبه،^۲ بنام ابوالولید محمدبن احمدبن رشد^۳ (د ۵۲۰ق)، اثری فقهی با عنوان کتاب المقدمات... نوشته، در بخشی از آن که در باب تجارت مسلمانان در دارالحرب بحث می‌کند، ضمن محکوم کردن این عمل، چنین فتوا می‌دهد: بر مسلمانان واجب است که از دارالکفر مهاجرت کنند و وجوب آن هیچ‌گاه ساقط نمی‌شود.^۴ به رغم این که او در هیچ جایی اثر خویش واژه مدجن را به کار نبرده و اشاره‌ای به این جمعیت نکرده، اما نشریسی معتقد است که این فتوا درباره مدجّان صادر شده و این فقیه قرطبی بدین وسیله از آنان خواسته تا قلمرو مسیحیان را ترک کنند.^۵ گرچه مسلمانان اندلس این واژه را به کار می‌برده‌اند، ولی تاریخ دقیق آن مشخص نیست. مثلاً نباهی (د ۷۹۳ق) به هنگام پرداختن به شرح حال قاضی محمدبن هشام می‌نویسد: این مرد به بلاد روم در شرق اندلس در میان اهل الدّجن پرورش یافت. (...نشأ فی الدجن...)، سپس از آن‌جا مهاجرت کرد.^۶ لازم است که ذکر کنیم تا نیمه دوم سده ۹ق/۱۵م کلمه مدجّن هنوز جایی در نوشته‌های اسپانیولی نداشته و از حدود سال ۸۶۶ق/۱۴۶۲م وارد این متون شده است:^۷ در آثار مسیحیان به زبان قشتالی به صورت مودخار^۸ و در لهجه کاتالونی به شکل مودیکسار^۹ به چشم می‌خورد. جیمز اول،^{۱۰} پادشاه آراگون،^{۱۱} پس از فتح بلنسیه^{۱۲} در سال ۱۲۳۸ق/۱۲۳۸م، اثری^{۱۳} از خود برجای نهاده که در آن شرح حال خویش را نگاشته است.

۵. ونشریسی، المعیار المعرب، ۴۳۹/۲.

1. Cordova

۲. ابن فقیه مالکی مذهبی که همانام ابن رشد، فیلسوف اندلسی (د ۵۹۵ق) است، جدّ اوست.

۳. ابن رشد، محمدبن احمد بن رشد (جد ابن رشد فیلسوف معروف اندلسی)، کتاب المقدمات الممهّدات لبیان ما اقتضته رسوم المدونه من الاحکام الشرعیات و التحصیلات المحکّمات الشرعیات الامهات مسائلها المشکلات، بیروت، دار صادر، بی تا، ص ۶۱۱-۶۱۲.

۴. ونشریسی، المعیار المعرب، ۱۲۴/۲.

۵. النباهی، ابوالحسن علی بن عبدالله مالقی، تاریخ قضاة الاندلس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، ص ۱۷۳.

6. 5. Chalmeta, EI2, Vol. VIII, p. 286.

7. Mudejar

8. Mudeixar

9. James I

10. Aragon

11. Valencia

12. Book of Deeds

او در این اثر از مسلمانان تحت سلطه مسیحیان در بلنسیه، با عناوین مور^۱ و ساراسن^۲ نام برده و توجهی هم به فرق این دو واژه نداشته، زیرا ساراسن به مسلمانان شرق جهان اسلام و مور به آنان که در مغرب (غرب جهان اسلام) بودند، اطلاق می شده است.^۳

هنگامی که واژه مدجّن وارد آثار مسیحیان شد، چون ریشه این کلمه برای آنان روشن نبود درباره آن تصورها و حدس‌های نادرستی داشتند. برخی سعی می کردند آن را با واژه دجال ارتباط دهند و از این طریق در صدد بودند تا این جمعیت را بی اهمیت جلوه دهند. بدیهی است مرتبط ساختن این کلمه با واژه زشت دجال ناشی از مباحث کلامی ضد اسلامی محافل مسیحی بوده است. عده‌ای نیز آن را با کلمه اسپانیولی دخار^۴ ارتباط دادند، از آن جا که واژه دخار به معنای ترک کردن است، در این صورت مُدجّنان یعنی کسانی که از دیگران عقب ماندند و هم کیشان‌شان آنان را ترک کردند. البته در این مورد مدرک معتبری وجود ندارد تا روشن نماید که این کلمه عربی از دخار اسپانیولی اقتباس شده است. از این رو اروپاییان متوجه شدند که باید ریشه آن را در فرهنگ‌های عربی جستجو کنند.^۵

باید ذکر کرد که کاربرد واژه مُدجّن به لحاظ زمانی دارای محدودیت است و نویسندگان غربی تا پایان سده ۹/ق ۱۵م از آن به منظور نامیدن مسلمانان ذمی در اسپانیا استفاده کرده‌اند، بعد از آن اشاره به این گروه معمولاً واژه موریسکو را به کار می‌برند.

تأثیر مُدجّنان بر بخش کشاورزی

به دلیل کمبود منابع، سخن گفتن درباره فعالیت‌های اقتصادی مُدجّنان دشوار است. شاید به همین دلیل باشد که محققان غربی به هنگام بحث در این زمینه به ارائه اطلاعات پراکنده و غیر دقیق بسنده می‌کنند. در عین حال اغلب آنان این نکته را یادآور شده‌اند که مُدجّنان به لحاظ برخورداری از توانایی‌ها و مهارت‌های گوناگون، در صحنه حیات اقتصادی اسپانیا نقش برجسته‌ای ایفا نموده‌اند. ناسازگاری‌هایی هم که پیروان مسیح با این جمعیت داشتند، مانع انتقال تجاریشان به جامعه مسیحی نشد.

-
1. Moors
 2. Saracens
 3. Burns, Islam under the crusaders..., P.64
 4. Dejar
 5. Harvey, Islamic Spain 1250 to 1500, p.4.

مثلاً در زمینه کشاورزی به ویژه کشت آبی، مسیحیان فنون مختلف را از آنان فرا گرفتند.^۱ همچنین گروه‌های با نفوذ مسیحی از قبیل نجیب‌زادگان، مأموران عالی رتبه دولتی، جمعیت‌ها و تشکل‌های نظامی، اسقف‌ها و سایر مقامات کلیسایی، حتی رؤسای مؤسسات خیریه و تشکیلات رهبانی گرچه به لحاظ دینی و فرهنگی به مقابله با مُدجَنان می‌پرداختند، اما در زمینه اقتصادی سعی می‌کردند با آنان رابطه داشته باشند و به منظور بهره‌برداری از مهارت‌های مسلمانان ذمی ترجیح می‌دادند که اراضی و کارگاه‌ها را به آنان بسپارند.^۲

باید توجه داشت که مسلمانان شیوه پیشرفته کشاورزی را از ایرانیان فرا گرفتند و آن‌را با خود به اسپانیا بردند. در این سرزمین سنت کشاورزی اسلامی را با شیوه رومی درآمیختند و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافتند. با استیلای مسیحیان بر مناطق اسلامی، آنان امور کشاورزی را به مُدجَنان واگذار کردند و تا مدتی طولانی، یعنی تا سده ۱۰ق/۱۶م، از تجارب گران‌بهای آنان بهره بردند. همچنین در سده ۷ق/۱۳م و طی حکومت آلفونس دهم، پادشاه قشتاله، آثاری از مسلمانان در مورد کشاورزی با همکاری مُدجَنان از عربی به اسپانیولی (قشتالی) ترجمه شد، از جمله آن‌ها می‌توان از مجموع الفلاحة ابن وافد طلیطلی [ابوالمطرف عبدالرحمن بن محمد (سده ۵ق/۱۱م)]، دیوان الفلاحة ابن بصال طلیطلی [عبدالله بن بصال (سده ۵ق/۱۱م)] و کتاب الفلاحة ابن عوام اشبیلی [ابوزکریا یحیی بن محمد (نیمه دوم سده ۶ق/۱۲م)] نام برد، که هنوز بخش‌هایی از این آثار باقی مانده است. بدین گونه، مُدجَنان هم به لحاظ نظری و هم عملی سهم عمده‌ای در توسعه کشاورزی اسپانیای مسیحی داشتند.^۳

مُدجَنان با تکیه بر تجارب ارزنده دوره اسلامی، در بخش کشاورزی نسبت به اربابان مسیحی از استعدادها و ظرفیت‌های بیشتری برخوردار بودند. علاوه بر این، مسیحیان غالباً به دنبال امور نظامی و لشگری بودند و سایر حرفه‌ها را تحقیر و آن‌ها را خاص برده‌ها و رعایای دون مرتبه می‌پنداشتند و معمولاً فرزندان خویش را برای امور کشاورزی و صنعتی تربیت نمی‌کردند. آنانی که در ارتش و تشکیلات دولتی به شغلی دست نمی‌یافتند، به کلیسایان می‌پیوستند. از این رو، در نواحی مختلف اسپانیا اغلب پیشه‌ها در دست مُدجَنان قرار گرفت؛^۴ ولی فعالیت آنان در بخش کشاورزی چشم‌گیرتر بود. چون مسیحیان در مورد فنون این رشته از خودشان چیز قابل توجهی نداشتند، مسلمانان را به خدمت گرفتند تا بتوانند از سیستم پیشرفته آبیاری آنان استفاده کنند؛ چنان‌که در ناحیه آراگون حاکمان مسیحی برای بهره‌وری بهینه از اراضی، مُدجَنان را در ساحل رودها اسکان دادند. آنان

1. Guchard, Pierre, the social history of muslim Spain from the conquest to the end of the Almohad Regime, The legacy of Muslim Spain, ed. By Jayyusi, Vol. II., pp 706-707.

2. Burn, Roberts Ignatius, Muslims in the thirteenth-century realms of Aragon, Muslims under latin rule 1100-1300, ed. By James M. Powell, p.88.

3. Monroe, James T. Islam and the Arabs in Spanish scholarship (Leiden, 11970), pp.239-240.

1. Ellis, Havelock, The soul of Spain (London 1937), p.38.

با به‌کارگیری روش‌های مختلف آبیاری و با حفر کانال‌ها، آب‌ها را به نواحی دور دست انتقال دادند و در توسعه کشاورزی این منطقه گام‌های مؤثری برداشتند.^۱

با توجه به موقعیت ناحیه آراگون، مسیحیان آن‌جا از گذشته برای پایداری خویش گاه ناگزیر بودند که در شمال با فرانسه و در جنوب با مسلمانان و در غرب با قشتاله جنگ کنند. همچنین قبل از اتحاد با ایالت کاتالونیا در سال ۱۱۳۷م، در شرق و شمال شرقی منطقه آراگون گاه با مسیحیان این ایالت نیز درگیری داشتند. از این‌رو، اغلب مسیحیان آراگونی به کارهای نظامی روی آورده بودند. آنان به هنگام تسلط بر نواحی اسلامی دریافتند که مسلمانان در امور کشاورزی و آبیاری اراضی مهارت‌های خاصی دارند؛ پس به منظور بازدهی بیشتر، اراضی منطقه را به مُدَجَنان اجاره دادند و با آنان رفتار نسبتاً تسامح‌آمیزی در پیش گرفتند. در این‌جا به لحاظ اقتصادی مُدَجَنان چنان دارای اهمیت بودند که عبارت «بدون مور^۲ درآمدی موجود نیست» در میان مسیحیان شایع شده بود. گفته شده به مدت چهار سده بیشتر درآمد منطقه آراگون از کار مستأجران مسلمان حاصل می‌شده است. حکمرانان مسیحی برای ترغیب مُدَجَنان به کار به ویژه در بخش کشاورزی، امتیازاتی از قبیل برخورداری از خود مختاری اداری، نظام حقوق اسلامی و ایجاد مؤسسات دینی به آنان در این ناحیه اعطا کرده بودند.^۳

کتاب منظومه السید قشتالی^۴ که در اوایل سده ۱۳ق/۱۳ نوشته شده، تصویر روشن‌تری از مُدَجَنان حوزه رود ابرو در منطقه آراگون ارائه می‌دهد. این اثر به وصف روستاهای آباد این ناحیه پرداخته که در آن‌ها مُدَجَنان مشغول کشاورزی بودند. در آن از چندین روستا به نام‌های اریزا،^۵ ستینا،^۶ الحما،^۷ بوبیرکا،^۸ اتکا،^۹ ترر^{۱۰} و شهرستان قلعه ایوب یاد شده که مسلمانان در آن‌ها به صورت گروه‌های کوچک زندگی می‌کردند و به لحاظ اهتمام آنان به کشاورزی، منطقه از رونق اقتصادی برخوردار شده بود.^{۱۱} مسیحیان بعد از آن‌که بر مناطق مسلمان‌نشین حوزه رود ابرو دست یافتند، مُدَجَنان ساکن در شهرها را به حومه شهر انتقال دادند. چون بسیاری از آنان، کارشناسان کشاورزی بودند این گروه را تشویق کردند تا برای کار به سوی املاک بزرگ حرکت

2. Hillgarth, J. N. The Spanish Kingdoms 1250-1215 (Oxford University, 1976), Vol. I, pp. 181,187.

3. Moor

1. Burns, Robert Iynatius, Muslims in the thirteenth-century realms of Aragon, Muslims Under Latin Rule 1100-1300, ed. By James <. Powell, p.65.

2. Pomo de mio cid

3. Ariza

4. Cetina

5. Alhama

6. Bubierca

7. Ateca

8. Terre

9. Hervey, Islamic Spain..., p.99.

کنند. املاکی که مالک آنها اشراف مسیحی، جمعیت‌های نظامی، شهرداری‌ها، کلیساها و دولتمردان بودند. گرچه مدجنان به عنوان مستأجر و زارع سهم‌بر بر روی این اراضی کار می‌کردند، اما به لحاظ این که از مزایایی برخوردار شده بودند می‌توان گفت به گونه‌ای مالک مزرعه‌ای که در آن اشتغال داشتند نیز به شمار می‌رفتند؛ زیرا اربابان اراضی بدون رضایت و میل زارعان مدجنان حق نداشتند آنان را از املاک‌شان بیرون کنند یا اراضی را بفروشند و یا این که به دیگری اجاره دهند؛^۱ حتی اگر سود بیشتری هم مشتریان پیشنهاد می‌کردند باز هم این عمل میسر نبود، به دلیل این که پس از مرگ زارع مدجنان از نظر قانونی زمین به پسران او انتقال می‌یافت.

در هر حال مدجنان ناحیه آراگون از سویی به طریقی وابسته به دستگاه سلطنت بودند و رابطه مخصوصی با پادشاه مسیحی داشتند، از سوی دیگر با توجه به نقش برجسته‌ای که در توسعه کشاورزی و رونق اقتصادی ایفا می‌کردند؛ برخی از نویسندگان همانند بازول^۲ به مدجنان حوزه رود ابرو عنوان «گنجینه سلطنتی» داده‌اند. گفتنی است کشاورزان مدجنان این منطقه وابسته به زمین‌هایی بودند که به نحوی آنها را دولت برایشان تعیین کرده بود. به هر یک از این زارعان به اسپانیولی اکسریکو^۳ می‌گفتند که آن محرف کلمه شریک است.^۴ به لحاظ بازدهی مطلوبی که مدجنان در زمینه کشاورزی داشتند؛ در بعضی نواحی آراگون آنان نسبت به کشاورزان مسیحی از موقعیت بهتری برخوردار بودند، مثلاً دولت از مدجنان در برابر فشارها و اجحافات مالکان اراضی حمایت می‌کرد؛ حال آن که چنین حمایتی بیشتر اوقات شامل زارع مسیحی نمی‌شد.^۵ هرچند با توجه به ثبات و آبادانی حوزه رود ابرو، مدجنانی که در آن‌جا زندگی می‌کردند، صرف‌نظر از منطقه بلنسیه و غرناطه، وضع آنان نسبت به همکیشان‌شان در سایر نواحی شبه جزیره بهتر بود، ولی چون به شعائر اسلامی پایبند بودند در پایین‌ترین جای نردبان جامعه قرار داشتند.^۶

مدجنان برای کشت و کار زمین‌ها را یا از مالکان مسیحی اجاره می‌کردند و یا همچون کارگر زراعی بر روی اراضی آنان به کشاورزی می‌پرداختند. گفته شده فقط دولت ناوار این حق را به مدجنان قلمرو خویش داده بود که بتوانند مالک زمین شوند و در خرید و فروش آن دخالت داشته باشند. باید توجه داشت موقعیت جغرافیایی منطقه ناوار طوری بود که دارای هیچ مرز مشترکی با دولت اسلامی نبود و به مدیترانه نیز راه نداشت تا از سواحل آن مورد تعرض مسلمانان قرار گیرد. از این رو، مدجنان

10. Burns, Muslims in the thirteenth-century realms of Aragon, ... P.65.

1. Boswell

2. Exarica

3. Havey, Islamic Spain... P.101.

4. Lourie, Elena. Crusade and colonization: Muslims, Christians and Jews in Medieval Atagon (U. S. A, Variorum, 1990), pp 14 15.

5. Harvey, the mudejars, Leyacy of muslim Spain, ed. By Jayyusi, Vol. I, p.181.

آن ناحیه هیچ‌گاه متهم به خیانت و همکاری با قدرت‌های اسلامی نمی‌شدند. اگر در سایر نواحی سردمداران مسیحی از مُدَجَنان تصویری خطرناک در ذهن خویش می‌ساختند و از آنان به عنوان تهدید بالقوه و همدستان پنهان دشمن مسیحیت یاد می‌کردند؛ در ناوار^۱ نه تنها این جمعیت را عنصری خطرناک نمی‌دانستند، بلکه آنان را قابل اعتماد و ارزشمند تصور می‌کردند و علاوه بر آن که اجازه می‌دادند تا مالک زمین شوند، از خدماتشان در ادارات دولتی و ارتش نیز بهره می‌بردند.^۲

مسلمانان ذمی (مُدَجَنان) به کشت محصولات متنوعی اشتغال داشتند، در ناوار انواع غلات، پنبه، کتان و میوه‌های گوناگون تولید می‌کردند. در مناطق شرق اندلس آنان بیشتر به تولید ابریشم مشغول بودند؛ بدین منظور به پرورش کرم ابریشم عنایت خاصی داشتند. تولید ابریشم در شهرهای بلنسیه،^۳ شاطبه،^۴ المریه^۵ و جیان^۶ به حدی بود که آن‌را به ایتالیا صادر می‌کردند. آنان در بعضی نواحی به کشت برنج و نیشکر اهمیت بیشتری می‌دادند. مسیحیان پرورش بسیاری از محصولات از قبیل زیتون، کرم ابریشم، کتان و نیشکر را از مُدَجَنان آموختند. در این میان مالکان مسیحی برای این که از بازدهی بیشتر و سود فراوانی برخوردار شوند، همواره از مُدَجَنان در برابر فشارهای اربابان کلیسا حمایت می‌کردند.^۷

نقش مُدَجَنان در امور صنعتی

به‌رغم این که مُدَجَنان به بهانه‌های گوناگون تحت فشارهای پیروان مسیح قرار داشتند، ولی باز هم در صحنه اقتصادی اسپانیا انسان‌هایی سخت‌کوش بودند. اینان در جامعه مسیحی در شمار اعیان، کلیسایان، نظامیان و راهبان نبودند تا نقشی در فعالیت‌های تولیدی نداشته باشند، بلکه شرایطی بر آنان تحمیل شده بود تا با کار خویش بخش عمده‌ای از هزینه‌های این طبقات را نیز تأمین کنند. با توجه به قابلیت‌های مُدَجَنان در صنایع مختلف. نجیب‌زادگان مسیحی و صاحبان سرمایه همواره درصدد بودند تا از مهارت‌های آنان بهره‌برداری کنند. مثلاً مسیحیان به هنگام تسلط بر اشبیلیه (۴۶۴ق/۱۲۴۸م) بنابر سیاست معمول خویش، سعی کردند تا این شهر اسلامی را همانند سایر مناطق مسلمان‌نشین به صورت مسیحی درآورند. بدین منظور با پراکندن مسلمانان به نواحی دیگر، مسیحیان را جایگزین آنان کردند. در عین حال برای جلوگیری از تبعات سوء اقتصادی، متعرض صاحبان حرف و

1. Navarre

2. Harvey, *Islamic Spain...*, pp. 139-140.

3. Valencia

4. Jativa

5. Almeria

6. Jean

7. Hillgarth, J. N. *the Spanish kingdoms 1250-1516*, vol. I, p.38;

بدر، احمد. تاریخ المغرب و الاندلس، دمشق، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م، ص. ۲۸۵.

صنایع نشدند. اگرچه کارگاه‌های این شهر از قبیل پارچه‌بافی، سفالگری و صابون‌سازی را به تصرف خویش درآوردند، اما اداره آن‌ها را به صنعت‌گران مُدجّان سپردند. قبل از استیلای مسیحیان بر ایشیلیه، مسلمانان آن‌جا محصولات خویش را به بازارهای شمال آفریقا و مصر صادر می‌کردند، ولی اکنون (دوره حاکمیت مسیحیان) برای نخستین بار آن‌ها را به نواحی شمال اسپانیا و انگلستان نیز صادر و نقش مؤثری در رونق اقتصادی این شهر ایفا کردند.^۱

پیش از این ذکر شد که بیشتر مُدجّان ناحیه آراگون جهت اهتمام به امور کشاورزی در کمربند واقع در امتداد رود ابرو^۲ زندگی می‌کردند، اما عده‌ای دیگر از آنان در این منطقه به حرفه‌هایی نظیر رنگ‌سازی و صباغی، چرم‌سازی و ساختن قایق برای استفاده در رود ابرو و تأمین انواع خدمات در روستاها و محلات شهری، روی آورده بودند. در این‌جا ساخت و ساز بناها نیز عمدتاً توسط هنرمندان مدجن انجام می‌گرفت که ناحیه آراگون از وجود آثار معماری این جمعیت برخوردار می‌باشد و آثار برجامانده آنان حتی امروزه هم بیشتر توریست‌ها را به این منطقه جلب می‌کنند.^۳

مُدجّان در امور صنعتی مهارت‌های متنوعی داشتند که برخی از آن‌ها تقریباً در انحصار آنان بود. مثلاً در بلنسیه ساختن ظروف سفالی بی‌رقیب بودند. در این‌جا چون پیشه‌وران مسیحی توانایی رقابت با سفالگران مُدجّان را نداشتند، گاه با آنان به کشمکش می‌پرداختند. در آراگون مُدجّان دارای سهم عمده‌ای در تولید سلاح، ابزارهای فلزی و وسایل ساختمان‌سازی بودند.^۴ آنان به توصیه حاکمان مسیحی سلاح‌های گوناگون تولید می‌کردند.^۵ در مرسیه^۶ آنان در زمینه تجارت کالا نقش مهمی برعهده داشتند. در ناوار نیز مُدجّان در انتقال کالا و مسافر مشهور بودند. بدین منظور آنان همواره به پرورش استر و اسب راهوار می‌پرداختند. مرتبط با این حرفه، وسایلی همچون زین، نعل و غیره نیز می‌ساختند. همچنین مُدجّان ناوار در تولید بیشتر تجهیزات جنگی و دفاعی سده‌های میانه از قبیل سپر، زره، کمان، شمشیر، نیزه و جز این‌ها نقش قابل توجهی داشتند. با عنایت به این قابلیت‌ها بود که گاه پادشاه مسیحی ناوار شغل مهم و حساسی همچون اداره تدارکات ارتش و تعمیر و نگهداری سلاح‌ها و دژها را به آنان واگذار می‌کرد؛ چنان‌که در دهه ۷۶۰ق/۱۳۶۰م شخص مُدجّانی به نام احمدبن هذیل ریاست این امور را برعهده داشته است. دولت ناوار اغلب اوقات با تهدیدات جنگجویان فرانسوی مواجه بود و برای مقابله با آنان ضرورت داشت سپاه را به

1. Hillgarth, Vol. I, p. 180.

2. The Ebro River

3. Burns, Muslims in the thirteenth-century realms of Aragon, Muslims under Latin Rule 1100-1300, ed. By James. M. Powell, pp.65-66.

1. Nirenberg David, Muslim in Christian Iberia 1000-1526: varieties of mudejar experience, the medieval world, ed. By peter linehan and Janet L. Nelson (London and New York, 2001), p.64.

2. Lourie, Elena Crusade and colonization: muslims, Christians and jews in medieval Aragon, p.75.

3. Murcia

ابزارهای جنگی پیشرفته مجهز کند و به منظور تأمین این تجهیزات دولت به متخصصان مدجن تکیه داشت و آنان در این جهت کمک‌های مهمی به ناوار کردند.^۱

در صحنه اقتصادی ناحیه برغش،^۲ در قشتاله قدیم، نیز مُدجنان حضوری فعال داشتند. مدارک موجود حاکی از آن است که در سال ۱۲۵۹ق/۶۵۷م در این منطقه تولید کفش در انحصار آنان بوده است. همچنین در این بخش از شمال اسپانیا، آنان صنعت نجاری و تولیدات مربوط به ساختمان‌سازی در سده‌های ۸ و ۹ق/۱۴ و ۱۵م را به خود اختصاص داده بودند. در این منطقه بیشتر کسانی که در حرفه‌های پزشکی و جراحی کار می‌کردند نیز از مُدجنان بودند.^۳

فرآورده‌های مُدجنان از چنان کیفیتی برخوردار بود که اغلب پیشه‌وران مسیحی نمی‌توانستند با تولیدات آنان رقابت کنند. بنابراین، دیری نپایید که بخش عمده حرف و صنایع اسپانیا در دست مسلمانان ذمی قرار گرفت؛ آنان در صنعت نساجی بلنسیه، شاطبه و اشبیلیه دارای نقش برجسته‌ای بودند. در این صنعت با ظرافت خاصی به تولید پارچه‌هایی با طرح‌هایی متنوع و گاه زربافت می‌پرداختند. همچنین کارگاه‌های کاغذسازی شاطبه، شیشه‌سازی و قالی‌بافی مرسیه هم توسط آنان اداره می‌شد. در اشبیلیه مُدجنان به حرفه‌هایی نظیر فلزکاری، بنایی و پزشکی اشغال داشتند که نام برخی از متخصصان مُدجن در اسناد مسیحیان این شهر آمده است.^۴ در ناحیه لارده^۵ نیز پیشه‌هایی همچون سنگ‌تراشی، نجاری، خیاطی و چرم‌سازی در دست مُدجنان بود.^۶ در جزایر شرقی (بالئار)^۷ آنان در صنایع نساجی، دباغی، زرگری، صباغی و شمشیرسازی مشغول بودند. در این جزایر چون مُدجنان پراکنده زندگی می‌کردند، هرگز نتوانستند جامعه متشکلی را سامان دهند تا از حقوق خویش دفاع کنند. از این رو، اربابان مسیحی ظالمانه دست‌رنج آنان را به خود اختصاص می‌دادند و با این جمعیت همانند برده رفتار می‌کردند و حتی می‌توانستند آنان را به دیگری بفروشند.^۸

بنابر آنچه ذکر شد ملاحظه می‌شود که مُدجنان به عنوان حافظان میراث اسلامی در جامعه مسیحی، گام‌های مؤثری در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی اسپانیا برداشتند. آنان در صنایع این کشور استادانه کار می‌کردند و با محصولات خویش با

4. Harvey, *Islamic Spain...*, pp.141-145.

5. Burgos

6. Hillgrath, *the Spanish Kingdoms...*, Vol. I, pp 180-18.

1. *Ibid*, pp.40, 180,183-184

2. Lerida

3. Burns, *muslims in the thirteenth-century realms of Aragon, Muslims under Latin Rule 1100-1300*, ed. By James M. Powell, p. 62.

4. *The Balearics*

5. Lourie, Elena *Crusade and colonisationL muslims, Christians and Jews in medieval Aragon*, p.645; Harvey, *Islamic Spain...*, p.115.

آنچه که در اروپای آن دوره تولید می‌شد به رقابت می‌پرداختند. پارچه‌های مرسیه، ظروف سفالی مالقه و بلنسیه، ابریشم المریه، سلاح‌های طلیطله و مصنوعات قرطبه در همه جا زبازد بود. مُدجّان در صنایع نجاری، تجلید و صحافی کتب و مینیاتور هم بر مسیحیان برتری داشتند.^۱ نبوغ صنعتی آنان در قالی‌بافی نیز تجلی یافته، به طوری که این هنر در قلمرو مسیحیان اسپانیا تا سده ۱۵/ق در دست این جمعیت بوده است. همچنین در زمینه بافت پارچه‌های ابریشمی دارای استعداد و توانایی‌های خاصی بودند.^۲ مُدجّان در صنعت بافندگی از طرح‌های ویژه‌ای استفاده می‌کردند؛ نمونه‌ای از این سبک پارچه‌بافی آنان از سده ۱۵/قم برجای مانده، که در آن نوشته‌های اسپانیولی آبی‌رنگ در بین نقش‌های هندسی بافته شده است.^۳ اما باید تأکید کرد که شاهکارهای صنعتی مُدجّان در سفال‌سازی، یعنی صنعتی که در جوامع سده‌های میانه جایگاه پراهمیتی داشته، نمایان شده است. آنان ظروف سفالی براق و لعاب‌داری می‌ساختند که مالقه و بلنسیه دو مرکز عمده این تولیدات بود.^۴ در مورد سفالگری و جلادادن به ظروف سفالی، بهترین محصول در سده‌های ۱۴/ق و ۱۵/۹م در اسپانیا به مُدجّان تعلق داشت، گرچه عناصر مسیحی هم در تولیدات سفالی آنان انعکاس یافته، ولی از جهات متعددی نمایان‌گر ویژگی‌های هنر اسلامی است.^۵ سفالگران مدجن در بلنسیه و شاطبه بشقاب‌ها و ظروف تزئینی هم تولید می‌کردند. اسناد برجای مانده حاکی از آن است که آنان در سده ۱۳/ق مابت تولید محصولات سفالی مالیات قابل توجهی به پیروان مسیح پرداخت می‌کرده‌اند. با گذشت زمان مسیحیان نیز به تقلید از مُدجّان به این صنعت روی آوردند و به تدریج دو سنت مسیحی و مُدجّان در این زمینه با هم در آمیخته شدند.^۶

1. Adoms, Nicholson B. The heritage of Spain an introduction to Spanish Civilization (New York 1943), p.84

2. Bloom, Jonathan and Blair, Sheila, Islamic Arts (London, 1998), p. 245.

۳. کونل، ارنست. هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، ۱۳۴۷ش، ص ۱۷۸-۱۷۸.

4. Trend, J. B. Spain and Protugal, the legacy of Islamic, by sirthomas Arnold and Alfred Gullaume (London, 1986), p.14.

۵. رایس، دیوید تالبوت. هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۹-۱۷۰.

6. Burns, muslims in the thirteen-century realms of aragon, Muslims under Latin Rule 1100-1300, ed. By powell, p.98.

منابع

- ابن رشد، محمد بن رشد (جدّ ابن رشد فیلسوف معروف اندلسی)، کتاب المقدمات لبيان ما اقتضه رسوم المدونه من الاحكام الشرعیات و التحصیلات المحکّمات الشرعیات الامهات مسائلها المشکلات، بیروت، دار صادر، بی تا.
- اخبار مجموعه فی فتح الاندلس و ذکر أمراتها و الحروب الواقعه بینهم، مادرید، ۱۸۶۷م.
- أنیس، ابراهیم و دیگران. المعجم الوسیط، استانبول، بی تا.
- بدر، احمد. تاریخ المغرب و الاندلس، دمشق، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- رایس، دیوید تالبوت. هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
- رضاء، احمد. معجم متن اللغة، بیروت، دار مکتبۃ الحیاه، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۸م.
- کونل، ارنست. هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، ۱۳۴۷ش.
- مسعود، جبران. الرائد معجم لغوی عصری، بیروت، دارالعلم الملايين، ۱۹۹۲ م.
- النباهی، ابوالحسن علی بن عبدالله، تاریخ قضاہ الاندلس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- ونشریسی، احمد بن یحیی. المعیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.

- Adoms, Nicholson. B. The Heritage of Spain an introduction to Spanish civilization, New York, 1943.
- Burns, Robert Ignatius, S. J. Islam under the crusaders: colonial survival in the thirteenth-century kingdom of Valencia, Princeton university, 1973.
- Bloom, Jonathan and Blair, Sheila Islamic Arts, London, 1998.
- Ellis, Havelock, the soul of Spain London, 1937.
- Encyclopedia of Islam (EI²), 1993.
- Harvey, L. P. Islamic Spain 1250 to 1500, the University of Chicago, 1990.
- Hillgarth, J. N. The Spanish Kingdoms 1250-1516, Oxford University, 1976.
- The Leyacy of Islam, ed. by sir Thomas Arnold and Alfred Guilaume, London, 1968.
- The Legacy of muslim Spain, ed. by Salma Khadra Jayyusi, Brill, 1994.

Lourie, Elena, crusade and colonization: muslims, Christians and jews in medieval Aragon, U. S. A, Variorum, 1990.

The medieval world, ed. by Peter linehen and Janet L. Nelson, London and New York, 2001.

Monro, James T. Islam and the Arabs in Spanish scholarship, leiden, 1970.

Muslims under Latin rule 1100-1300, ed. by James M. Powell, Princeton University, 1990.

Watt, W. M. & Cachia, P. A. history of Islamic Spain, Edinburgh University, 1965.